

انتظار کشیدن

نوشته: ای. تی. اسکافیلد

مطالعه دقیق وضعیت و شرایط ایمان‌داری که در انتظار بازگشت مسیح است همانگونه که در قسمتهای مختلف کلام خدا نشان می‌دهد به سه بخش عمده تقسیم میگردد: چه گونه صبر می‌کند، قدم بر می‌دارد و کار می‌کند. درحالیکه قلباً به مسیح فکر می‌کند؛ دستها و پاهایش کارهای روزمره را انجام می‌دهند. ولی با این وجود، هم قلب او و هم دست و پاهایش همه برای آمدن مسیح به نوعی مشغولند و این آثار و علائم به هیچ وجه ارادی نیستند و بر عکس هر جا که صحبت از آمدن خداوند مطرح بوده است؛ این خصوصیات مشهود بوده‌اند. در متی ۲۵ صبر و کار را میبینیم؛ در لوقا ۱۲ مبنای صبر را، در تسالونیکیان و مکاشفه هر سه را و در اول قرنیتان ۱۵ کار و در اول یوحنا ۳ قدم برداشتن را مشاهده می‌کنیم.

انتظار، قدم برداشتن، و کار کردن

عیسی مسیح در کتاب مکاشفه سه بار میفرماید مراقب باشید؛ بنگرید؛ من؛ مطمئناً؛ بزودی باز میگردم. اول در مکاشفه ۳:۱۱؛ به طور آشکار، در ارتباط با قدم برداشتن مسیحی سخن به میان آمده است. دوم در مکاشفه ۲۲:۱۲ در مورد اعمال انجام شده و پاداش آن در این دنیا، اشاره شده است. سوم آنطوری که در آیه ۲۰ بسیار مشهود است؛ صرفاً درباره با کسی اشاره شده است که از صمیم قلب در حال انتظار و نگاه کردن به مسیح است.

در اول تسالونیکیان جالب است که به چکیده کل سه فصل نظری بیندازیم در فصل اول می‌بینیم که تسالونیکیان در انتظار بازگشت فرزند خدا از آسمان بودند. در فصل دوم پولس رسول از آمدن دوباره خداوند و پاداشی که بابت کارهایش در میان آنان از خداوند دریافت خواهد نمود؛ سخن می‌گوید. در فصل سوم بازگشت دوباره عیسی مسیح همراه با مقدسینش، در پیوند با قدم نهادن در راهی مقدس و خداپسندانه نشان داده شده است.

با توجه به این سه وجه تمایز در کتاب مقدس، اجازه بدهید وضعیت ایمان‌داری را که در انتظار مسیح بسر می‌برد را مد نظر بگیریم.

این قلب است که انتظار مسیح را می کشد

در فصل یکم اول تسالونیکیان متوجه یک موضوع خاص می شویم که تمام آنهایی که صادقانه به دنبال مسیح بودند خیلی کم از چند و چون آمدن دوباره او آگاه بودند، به همین دلیل باز گویی در مورد مکاشفه مخصوص، موضوع اصلی فصل ۴ این کتاب شد. ولی آنان منتظر پایان این فصل نماندند، بلکه خود به دنبال مسیح گشتند. بنابراین به ما بسیار ساده یاد داده میشود که انتظار مسیح از روی بصیرت و دانایی نیست، بلکه امری قلبی است. خداوند به طور شگفت انگیز، کلام خود را برای ما باز نموده است، بنا بر این امروزه هزاران نفر خیلی بهتر از تسالونیکیان آن روز، در مورد آمدن مسیح آگاه تر اند. ولی سؤال اصلی این است چند نفر اکنون منتظر عیسی مسیح هستند؟

چگونه در انتظار بمانیم

حقیقت بسیار مهم و عمیقی وجود دارد مبنی بر اینکه خداوند شرایط دقیق ما را و اینکه چه گونه منتظر بازگشت دوباره اش باشیم؛ در جزئیات به ما یاد آوری نموده است. در فصل جالب لوقا، ۱۲ زمانیکه عیسی در حال آماده نمودن دلهای شاگردان به جهت ترک کردنشان بود؛ باز هم از بازگشت خود سخن میگوید. آنانکه منتظر او در شب تاریک و طولانی میمانند و با جامه های کمر بسته و آستینهای بالا زده مثل فانوسهای آراسته توصیف میشوند، همین ها هستند که به انتظار خداوندشان میمانند. و بعد نوبت به آن وعده عظیم و مبارک خداوند میرسد؛ به جهت آنانی که کمر بندهایشان را میبستند و آستینها را بالا میزدند، و در سر میز شام آسمانی، خداوند خودش کمر بسته و آنان را خدمت می نماید.

و حال این کمر بستن یعنی قدم نهادن فرد مسیحی در این دنیا که باید با دقت از آلوده شدن جامه هایش در محیط ناسالم جلوگیری نماید. و این شخص چون زائری است که کمرش محکم بسته شده و فانوس روشنش بیانگر اعمال و شهادتش به جهت جلال مسیح است. امیدواریم که در صفحات آتی اهمیت کار کردن و برای مسیح شاهد بودن را بیشتر متوجه شده و بدانیم آنچه که باید قلب و فکرمان را مشغول کند نشستن بر سر راهی است که مسیح از آن خواهد آمد.

مانند آنانیکه منتظر مسیح می مانند.

یک چیز درباره این انتظار، واضح و روشن است. اگر چه مطمئناً ما را هدایت به خود آزمایی و دقت زیاد در قدم برداشتن و عملکرد مان میکند ولی انتظاری همراه با لذت و بدون ترس میباشد. زمانیکه اطمینان خاطر از آن لحظه با شکوه ملاقات خداوند در ذهن ما بوجود میآید؛ او قلبهای ما را برای لذت و شادی آماده میکند. برای انجام این امر، ما باید یک چیزی از مسیح بدانیم، و آن معادله مهم این

است که ما چه قدر بخواهیم مسیح را بشناسیم نه اینکه فقط آرزوی دیدن او را داشته باشیم. این موضوع به ما کمک میکند که قدمهای موثرتری به سوی او برداریم، و هرچه قلب ما از مسیح پرتتر گردد، چیزهای بیشتری در نور واقعی او برای ما مکشوف میشوند. ما دیگر قادر خواهیم بود که اصل را از فرع تمیز دهیم، چشمان ما در تاریکیهای اطراف، به روشنی مبینند، قلب ما برای مسیح آزادتر شده، زندگیمای ما بیشتر به او اختصاص می یابند، و ما با فداکاری بیشتر، از دنیای اطراف گسسته تر می شویم، در مجموع همه با هم به انسانهایی بدل می شویم که منتظر بازگشت خداوندشان هستند.

مسیحیان دنیا پرست نمیتوانند به جهت مسیح صبر کنند

آنکه انتظار مسیح را میکشد باید دنیاپرست نباشد. اگر ما این جهان و چیزهایی را که در آن هستند دوست نداریم چطور میتوانیم آرزوی آمدن کسی را بکنیم که میخواهد ما را برای همیشه از آن بیرون برد؟ اما اگر یاد گرفته ایم که این دنیا را دوست نداشته و از آن ترس و خوف بدل راه دهیم، و ماهیت آن را فقط زرق و برق بدانیم، و قدرتی شیطان را که در پس آن قرار دارد تشخیص دهیم، که با عجله به سمت نابودی پیش می تازد، آرزوی ترکش را خواهیم کرد، و مشتاقانه به مسیح خوش آمد خواهیم گفت اول، بخاطر خود او و بعد به خاطر بردنمان به خانه پدر آسمانی.

هیچ وقت فراموش نمیکنم روزی که با خانمی مسن در خانه سالمندان دیدار داشتم، جائیکه رفتار مناسبی با او نمیشد، وقتی او را دیدم دریافتم که در اطاقی کوچک و در زیرزمینی تاریک از او نگهداری میشود، روی یک صندلی بزرگ دسته دار نشسته بود، و کلاهی بی لبه بر سر گذاشته بود، شل بر تن، و دستکش و پوتین پوشیده، بی صبرانه منتظر من بود. اگر چه من زودتر از ساعت ۱۲ نتوانستم به آنجا برسم ولی او از ساعت ۵ صبح که بیدار شده بود لباس کامل پوشیده و مدت ۷ ساعت بر آن صندلی نشسته و مشتاقانه به انتظار دیدار من مانده بود. من نمیتوانم نگاه پر از رضایت و لذت او را زمانیکه وارد اتاق شدم شرح دهم. ولی به گمانم این همه شادی، در ازای آن احساس بی کس بودن و درد تنهایی بوده است. شاید این تصویری ضعیف به نظر آید؛ اما حقیقت این است که ما هم روز آمدن مسیح همین گونه خواهیم بود.

همه چیز گویای این است که آمدن مسیح نزدیک شده است. بیهوده خواهد بود که سعی کنیم؛ ساعت خاصی معین کنیم، در حالیکه خداوند میفرماید هیچ کس آن را نمیداند جز پدر، با این وجود به طرّقه‌های مختلف به ما نشان داده است که آمدنش قریب الوقوع است. اول، پخش حیرت آور و سریع کلام زنده خدا در سرتاسر کشورهای مسیحی، و گردآوری تمام آنانکه خوانده شده اند. دوم، آن آوای

نیمه شب که میگوید، ؛ نگاه کنید داماد آمده، بیرون رفته و از او استقبال کنید.؛ که این در قرن گذشته زیاد شنیده نشده بود، ولی اکنون همه جا به گوش میرسد، و سوم از نشانه های زمان آخر که در دوم تیموتائوس و سایر متون آمده، در تمام همه جا شنیده میشود. اما به هر حال خیلی ها نیز فکر میکنند مادامیکه آمدن مسیح در زمان حیات ما نباشد، انتظار کشیدن امری غیر ضروری است. این اشتباهی بزرگ و کاری بس خطا خواهد بود.

آنچه که باید انجام دهیم، تا ما را به مسیح نزدیکتر کند، و تاثیری خالصانه در ما ایجاد نماید، و ما را بیشتر از دنیا جدا کند؛ نگاهی همراه با انتظار به عیسی مسیح است. بر عکس آن ملکه، که وقت عبور از صف استقبال کنندگان فقط آنهایی را می بیند که به انتظار ایستاده اند، مسیح هر "نظاره گری" را که قلبش در آن شب تاریک و طولانی با او بوده، هم دیده و هم نام او را در دفتر حیات ثبت کرده است؛ حتی یک نفر هم فراموش نخواهد شد. و اگر شما صبورانه دنبال مسیح بگردید، در میان آنانی خواهید بود که مسیح در شکوه و جلالش مشتقانه پای جلو نهاده؛ آنها را خدمت خواهد نمود. باشد که او در قدرت خویش با تک تک قلبهای ما صحبت کرده و بسیاری از آنانیکه در خواب هستند تبدیل به نظاره گران ستایش و جلال او باشند.